

Iran's Ambiguous Stance; a Discourse Analysis of Pahlavi Regime vis-a-vis Israel

Mohammad Asghari⁻

Received: 2019/05/14

Accepted: 2019/07/01

Abstract

The Palestinian issue has been one of the most significant events in the Middle East in recent century, engaging almost all countries worldwide and especially the regional players. Iran has been no exception in this regard and has endeavored to determine its role in the wake of the establishment of Israel. The Iranian government's stance and discourse at that time could be defined as one of ambiguity and cautious approval. This article makes a survey of Pahlavi regime's discourses in order to explain the whys and the wherefores of its recognizing Israel and the background and framework of this recognition by using practical discourse analysis method.

Keywords: Pahlavi Regime- Palestine- Israel- Discourse- PDAM



ایران در میانه ابهام و تأیید: تحلیل گفتمان رژیم پهلوی در مواجهه با تأسیس رژیم صهیونیستی

محمد اصغری *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۰

چکیده

مسئله فلسطین یکی از مهم‌ترین مسائل خاورمیانه در یک قرن گذشته بوده که همه کشورها و بازیگران منطقه را تحت تأثیر خویش قرار داده است؛ ایران نیز از این مقوله مستثناء نبوده و در طلیعه پیدایش رژیم صهیونیستی در پی تعیین نسبت خویش با این اتفاق مهم منطقه‌ای بوده است. گفتمان دولت وقت ایران در قبال فلسطین را می‌توان گفتمان «ابهام و تأیید حساب‌شده» نامید. مقاله پیش‌روی در پی آن است تا با کنکاشی در گفتارهای رژیم پهلوی در تشریح چگونگی و چرایی شناسایی رژیم صهیونیستی، حدود و ثغور و زمینه‌های قوام گفتمان پهلوی در مواجهه با تأسیس رژیم صهیونیستی را با بهره‌گیری از روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام) شناسایی و تبیین نماید.

واژگان کلیدی: رژیم پهلوی، فلسطین، اسرائیل، گفتمان، روش پدام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

فلسطین همیشه در صدر اخبار خاورمیانه قرار داشته است و مسئله فلسطین بیش از ۷ دهه، کل سرنوشت منطقه را متأثر از خویش کرده است. ایران نیز به عنوان کشوری در غرب آسیا و به مثابه یکی از بازیگران مهم خاورمیانه، همواره خواه و ناخواه در معرض مسئله فلسطین و حواشی و جوانب آن قرار داشته است. در سال ۱۳۲۶ و بعد از جنگ جهانی دوم، مجمع عمومی سازمان ملل در اجلاس فوق‌العاده‌ای، کمیسیونی را مأمور مطالعه و یافتن راه حلی برای مسئله فلسطین کرد (امینی، ۱۳۸۶، ص. ۲۱۳). اعضای این کمیسیون شامل استرالیا، کانادا، چکسلواکی، گواتمالا، هند، هلند، پرو، سوئد، اروگوئه، یوگسلاوی و ایران بود که پس از تحقیقات ۴ هفته‌ای با رأی اکثریت اعضا به تقسیم فلسطین به دو کشور یهود و عرب رأی داد. این در حالی بود که نمایندگان ایران، هند و یوگسلاوی با تقسیم فلسطین مخالف بودند و معتقد به ایجاد یک دولت فدرال مرکب از اعراب و یهود بودند. این موضع یعنی مخالفت با تقسیم فلسطین، اولین موضع‌گیری ایران درباره قضیه فلسطین به شمار می‌رفت (علی‌بابایی، ۱۳۷۵، ص. ۴۹۴). آنچه در این موضع‌گیری دولت ایران مشهود است، عدم مخالفت اصولی با اصل مهاجرت یهودیان و تکیه بر راه‌حل دولت مشترک یهودی و فلسطینی است. بعدها سفیر ایران در آمریکا و نماینده دائم ایران در سازمان ملل نیز بر مخالفت ایران با تقسیم فلسطین تأکید کرد (فلاح‌نژاد، ۱۳۸۱، ص. ۲۴). اما این تنها موضع روی کاغذ دولت ایران بود؛ رژیم پهلوی یکی از اولین متحدین اسرائیل در منطقه خاورمیانه و دارای روابطی نزدیک با صهیونیست‌ها بود. به جز وقفه‌ای کوتاه در دوران مصدق، که آن هم تنها به سردی روابط در ظاهر منتهی شد، در بقیه دوره‌ها رژیم شاهنشاهی پهلوی روابط خود را در سطوح مختلف با رژیم صهیونیستی حفظ کرد. پژوهش ذیل در پی کنکاش در گفتمان رسمی حاکمیت در مواجهه با پیدایش اسرائیل در سال ۱۹۴۸ میلادی با استفاده از روش تحلیل گفتمان است.

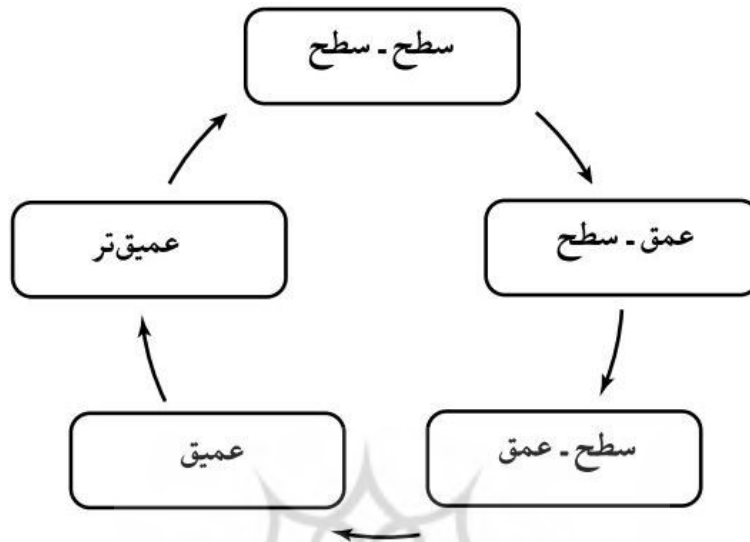
گفتمان چیست؟

به باور یورگنسن و فیلیپس (۱۳۸۹) گفتمان «شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن یا فهم یکی از وجوه آن» است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ص. ۱۸). گفتمان یکی از راه‌های مطالعه زبان و ویژگی‌های گوناگون آن در بستری از شرایط پیرامونی و محصورکننده جهان‌گوینده است. گفتمان این امکان را به ما می‌دهد تا به زبان و رای سطور نگاه کنیم. به باور فوکو (۱۹۷۴) گفتمان‌ها هرچند از نشانه‌ها و علامت‌ها تشکیل شده‌اند، اما کارکرد آن‌ها در نشان دادن و انتخاب اشیاء چیزی فراتر از این علامت‌هاست و همین ویژگی آن‌ها را غیرقابل تقلیل به زبان، سخن و گفتار می‌کند. فوکو معتقد است ما باید این ویژگی ممتاز گفتمان را آشکار کرده و توصیف نماییم (Foucault, ۱۹۷۴, p. ۴۹). از این روی فوکو گفتمان را اعمالی می‌داند که به طور سیستماتیک موضوعاتی را شکل می‌دهند که خود سخن می‌گویند (عضدانلو، ۱۳۹۴، ص. ۱۸). پس نمی‌توان گفتمان را تنها به زبان فروکاست. فوکو در یک سخنرانی منتشرنشده در تونس در ۱۹۶۷ با عنوان «ساختارگرایی و تحلیل ادبی» با توسل به ایده‌های جان آستین چنین استدلال می‌کند که توصیف یک گزاره با تعریف ساختار زبانی آن صورت نمی‌پذیرد و نمی‌توان گفتمان را به عناصر زیبایی‌شناختی فروکاست، بلکه قلمروی گفتمان الزاماً فراتر از زبان است (رضایی‌پناه، ۱۳۹۵، ص. ۲۷). «اصطلاح تحلیل گفتمان ابتدا در زبان‌شناسی ساخت‌گرای آمریکا توسط زیلگ هریس متولد شد و منظور او از تحلیل گفتمان، تحلیل ساختاری زبان بالاتر از سطح جمله بوده است. با توجه به این‌که غالب مطالعات زبان‌شناختی تا آن زمان بر جمله و واحدهای کوچکتر از آن معطوف بوده است، اقدام هریس در مورد توجه قرار دادن واحدهای بزرگ‌تر از جمله، مانند پاراگراف، به عنوان کانون تحلیل، گامی مهم به شمار می‌آمد» (سلطانی، ۱۳۹۶، صص. ۴۸-۴۹). با این حال زبان‌شناسان ساخت‌گرای آمریکایی از توجه به بافت و زمینه کاربرد زبان غفلت کردند و این تکیه صرف بر ساختارها در تحلیل‌های ساختاری «منجر به پنهان ماندن بخش‌های قابل توجهی از

جنبه‌های ارتباطی و معنایی کاربرد زبان می‌شود» (سلطانی، ۱۳۹۶، ص. ۴۹). از این روی زبان‌شناسان نقش‌گرا با توجه کردن به بافت، سعی بر ارائه تحلیلی جامع‌تر داشتند. از سویی دیگر تحت تأثیر ایده‌های فوکو و پشو در دهه ۷۰ میلادی، گروهی از زبان‌شناسان انگلیسی با تأکید بر نقصان تحلیل‌های بافتاری زبان‌شناسان نقش‌گرا، مفاهیمی چون قدرت و ایدئولوژی را وارد تحلیل گفتمان کردند و زبان‌شناسی انتقادی و در پی آن تحلیل گفتمان انتقادی شکل گرفت. اما با این حال بر خلاف ایده‌های فوکو، تحلیل گفتمان انتقادی کماکان گفتمان را کوچک‌تر از زبان و دربرگرفته‌شده توسط زبان می‌دانستند (سلطانی، ۱۳۹۶، ص. ۴۹)، اما ارنستو لاکلا و شنتال موف با بهره‌گیری از نظریات فوکو، سوسور، دریدا، گرامشی، آلتوسر و لاکان، از نگاه ساختارگرایانه عبور کرده و به مرزهای نظریه‌پردازی پساساختارگرایانه در تحلیل گفتمان رسیدند (سلطانی، ۱۳۹۶، ص. ۹۷).

روش تحلیل گفتمان

روش عملیاتی تحلیل گفتمان پدام، روشی کاربردی برای خروج از اشکال‌های ذهنیت‌گرایی و به‌کارگیری متناسب عینیت و ذهنیت برای درک بیشتر معناست (بشیر، ۱۳۹۰، ص. ۱۰). روش پدام در تلاش است که مراحل فرایندی تحلیل گفتمان را با توجه به پنج سطح تحلیل که عبارت هستند از سطح-سطح، سطح-عمق، عمق-سطح، عمیق و عمیق‌تر مورد توجه قرار دهد (بشیر، ۱۳۹۰، ص. ۱۰).



شکل ۱- سطوح مختلف تحلیل گفتمان از منظر روش پدام

سه سطح اول متضمن نوعی از توصیف است، توصیفی با تکیه بر اصل متن و معناهای هژمونیک و ضمنی متن و با توجه به ضرورت کشف رابطه میان معناهای مشترک در جملات همگرا در متن و نهایتاً قرائت معناهای جملات همسو در متن با سایر معناهای مستخرج از جملات دیگر متن. این مرحله را می‌توان نوعی از حرکت در داخل متن نامید (بشیر، ۱۳۹۰، ص. ۱۰).

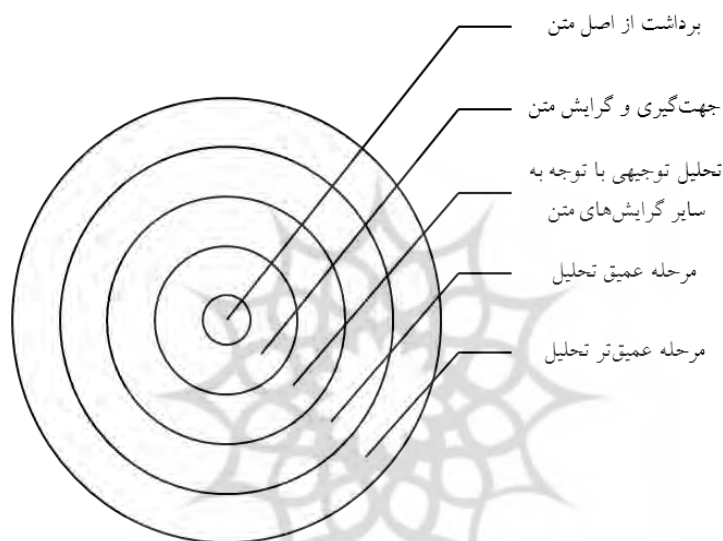
در مرحله عمیق متن در یک زمینه موقعیتی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد و ما به دنبال کشف معانی مرتبط میان متن و زمینه هستیم (بشیر، ۱۳۹۰، صص. ۱۲-۱۳).

در مرحله عمیق‌تر به سوی فرامتن حرکت می‌کنیم و معانی مستخرجه از مرحله پیشین را در ساحتی فراتر از متن مورد دقت قرار می‌دهیم. در این مرحله رابطه میان خالق متن، اصل متن، زمینه‌های خلق متن و فرامتن‌های مرتبط مورد توجه قرار می‌گیرد (بشیر، ۱۳۹۰، ص. ۱۳). اینجا همان جایی است که پژوهشگر به سمت کشف ناگفته‌ها می‌رود و رابطه میان گفته‌ها و ناگفته‌ها مورد توجه است. مراحل تحلیلی در

روش پدام شامل موارد زیر است:

۱- برداشت از اصل متن؛

- ۲- جهت گیری و گرایش متن؛
- ۳- تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش های متن؛
- ۴- مرحله عمیق تحلیل؛
- ۵- مرحله عمیق تر تحلیل (بشیر، ۱۳۹۰، ص. ۱۵).



شکل ۲- مراحل مختلف روش تحلیل گفتمان پدام

در این پژوهش نیز تلاش بر آن بوده تا با استفاده از روش تحلیل گفتمان پدام به واکاوی معانی آشکار، ضمنی و عمیق در اثر مورد تحلیل بپردازد.

دولت ایران و تشکیل اسرائیل

در سال های منتهی به تشکیل اسرائیل، دولت ایران گویی در میانه ای از ابهام و تردید نسبت به ماجرای فلسطین قرار دارد. می توان از این ابهام زدگی نهاد قدرت در قبال تحولات فلسطین به بی مبالاتی ایران تعبیر کرد. اما برخی پژوهشگران از این تردید به «ابهام حساب شده» تعبیر می کنند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲، ص. ۱۰۹). در واقع دولت ایران از سویی با توجه به فشار روحانیت و توانایی امثال آیت الله کاشانی برای ایجاد جو ضدپهلوی به واسطه همکاری آشکار با اسرائیل، از نزدیکی علنی پرهیز می کرد، اما

از سویی دیگر با توجه به سیاست خاص صهیونیست‌ها در آن سال‌ها برای ارائه چهره‌ای جذاب، مستقل و رو به توسعه از خود در خاورمیانه، بی‌رغبت به ارتباط با اسرائیل و بهره‌مندی از مزایای آن نبود. واقعیت آن بود که اسرائیل در آن سال‌ها در افکار عمومی غربی نمادی از ایجاد تمدن در دل صحرای بی‌آب و علف عرب‌های نیمه‌وحشی و بدوی بود. چنین تصویری در ایران نیز وجود داشت. به عنوان مثال سپهبد رزم‌آرا، رئیس ستاد ارتش ایران، کارآمدی ارتش اسرائیل را در جنگ ۱۹۴۸ می‌ستود و یا پیشرفت‌های کشاورزی اسرائیل مورد توجه مجلس ایران قرار گرفته بود (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۰).

علاوه بر این خوش‌بینی و ذوق نهاد قدرت ایران از پیشرفت‌های اسرائیل و مسحور شدن از تصویر برساخته «دولت خودساخته، مترقی و جنگنده» از اسرائیل، روابط نه چندان مناسب ایران با اعراب و همچنین تغلب عرب‌ستیزی در دوران پهلوی، انگیزاننده دیگری برای حرکت به سوی اسرائیل بود. همین‌طور برای اسرائیل نیز ایران گزینه‌ای مطلوب به منظور گسترش روابط و شکستن انزوای تحمیلی از سوی اعراب بود. همه این عوامل به سمت شناسایی دوفاکتوی اسرائیل توسط ایران برآیند یافت.

اما رژیم پهلوی چه گفتمانی را برای توجیه مسئله شناسایی دوفاکتوی اسرائیل برگزیده بود؟ در اعلامیه رسمی دولت ایران درباره این تصمیم آمده است: «پس از استقلال دولت اسرائیل و به رسمیت شناختن آن از طرف سازمان ملل متحد، دولت ایران برای حفظ اتباع ایران در فلسطین که در نتیجه جنگ خسارات زیادی متحمل شده بودند، آقای «صیقل» را به عنوان نماینده به فلسطین اعزام داشت. پس از مذاکرات مفصلی که از طرف سازمان ملل و دولت آمریکا با ایران به عمل آمد، برای اینکه دولت ایران بیشتر بتواند منافع اتباع خود را حفظ کند و اشکالاتی که در کار چند هزار ایرانی مقیم فلسطین پیدا شده، مرتفع شود، سه ماه قبل آقای «رضا صفی‌نیا» را با سمت مأمور مخصوص به فلسطین اعزام داشت و با این عمل، دولت ایران دولت اسرائیل را بالفعل به رسمیت شناخت، ولی برای اینکه این شناسایی به صورت رسمی درآید، براساس

تصمیم هیئت دولت، آقای «انتظام» نماینده دائمی دولت شاهنشاهی در سازمان ملل متحد، به اطلاع نماینده دولت اسرائیل رسانید که از این پس دولت ایران، دولت اسرائیل را به طور دوفاکتو به رسمیت شناخته است» (قانون، ۱۳۸۱، ص. ۱۹۴).

همچنین محمدمساعد مراغه‌ای، عامل اصلی شناسایی دوفاکتوی اسرائیل، سال ۱۳۲۹ در نطقی در مجلس سنا، در توجیه اقدام خود می‌گوید: «حفظ منافع ایرانیان مقیم فلسطین و لزوم مطالعه از نزدیک امور خارجه دولت جدیدالتأسیس اسرائیل، ایجاب می‌کرد که دولت، مأموری در این نقطه مهم و حساس خاورمیانه داشته باشد. به این جهت مأموری در آنجا تعیین شد، ولی انجام وظایف محوله برای مأمور ایرانی بدون هیچ نوع رسمیت، مصادف با مشکلاتی شده بود و لازم می‌آمد وضعیت مأمور اعزامی روشن شود. موضوع در هیئت دولت مطرح و به اتفاق آراء تصمیم اتخاذ گردید که به «انتظام» نماینده دولت در سازمان ملل، دستور صادر شود: شناسایی بالفعل (دوفاکتو) دولت اسرائیل را اعلام نمایند که وضعیت اتباع ایران در فلسطین و تکلیف مأمور اعزامی در آن کشور معین و روشن شود.» (ریاست جمهوری، ۱۳۷۷، ص. ۱۰).

سال ۱۳۳۱ نیز صمصامی، یکی از دیپلمات‌های ارشد رژیم پهلوی، در گزارشی، سیاست ایران در قبال اسرائیل را چنین شرح می‌دهد: «پس از شناسایی دوفاکتوی اسرائیل از طرف ایران در سال ۱۳۲۹، مقامات و زعمای کشورهای عربی از این امر اظهار رنجش فوق‌العاده کردند و به همین مناسبت دولت مصر و سایر کشورهای عربی ابتدا از اعزام نمایندگان در کنفرانس اقتصادی - اسلامی تهران که متعاقب شناسایی دوفاکتو اسرائیل در سال ۱۳۲۹ تشکیل می‌شد، استنکاف داشتند و با اقدامات و مساعی خاصی که در آن موقع با صوابدید مرکز به عمل آمد، بالاخره حاضر به اعزام نمایندگانی به کنفرانس مذکور شدند، زیرا بدوآ کلیه دلایل که در آن موقع دایر بر عدم مابینت این شناسایی با حفظ دوستی با دول عربی به آنها ابراز می‌شد، آنها را قانع نمی‌کرد. اظهارات اینکه شناسایی مذکور دوفاکتو و فقط برای حفظ منافع اتباع ایران در خاک اسرائیل به عمل آمده و اینکه قرارداد متارکه‌ای که خود دولت‌های عربی با

حکومت اسرائیل منعقد کرده‌اند، مستلزم یک نوع شناسایی موجودیت حکومت اسرائیل است، برای آنان عذر موجهی به جهت شناسایی مذکور از طرف ایران محسوب نمی‌گردد، تا آن که دولت شاهنشاهی نمایندگی خود را نزد حکومت اسرائیل منحل کرده و فراخواندند. از طرف دیگر حکومت اسرائیل با وجود جریان‌های مذکور نسبت به اتباع ایران و حفظ و استرداد آنها در زمان جنگ اسرائیل با اعراب و بعد از آن هم، محبت و ارفاق زیاد کرده و زودتر از نمایندگان سایر کشورها، نمایندگان ایران را (حتی قبل از شناسایی دوفاکتو مذکور) در خاک اسرائیل به نحو غیر رسمی برای رسیدگی به وضع اموال و امور اتباع ایران و معاودت این اتباع را به آنجا پذیرفت و موازی این عمل کیفیات ذیل مساعد و مفید واقع شده بود؛ اینکه دولت ایران با وجود حفظ و داد نسبت به دولت‌های عربی در جنگ آنها با حکومت اسرائیل، رسماً از وضع بی‌طرفی خارج نشده بود و یادآوری موضوع فوق و اینکه در ایران کلیه اقلیت‌های مذهبی از جمله یهود از زمان‌های قدیم از حقوق شخصی و عمومی بهره‌مند بوده‌اند و از حیث احوال شخصیه در داخله هیئت خود نیز در اجرای سنن و آداب و مذهب خود در ایران آزاد بوده و می‌باشند و این رویه دیرین ایرانیان نسبت به همه ارباب مذاهب بوده، یعنی قبل از اینکه در جامعه ملل قدیم هم برای اولین بار این‌گونه نواها در صحنه بین‌المللی برخیزد و فرمول‌های جدید برای حفظ حقوق بشر در دنیا به دست آید، عمل مذکور در ایران رویه طبیعی و قهری و ذوقی فرمانروایان و سلاطین و مورد تشویق فلاسفه و ادبا بوده است. چنانکه مؤسس سلسله هخامنشی، کورش کبیر، یهود را پس از اینکه در نتیجه فتح شدن فلسطین توسط «نوبکد» از آنجا اخراج شده و زجر و صدمات دیده بودند، مجدداً بعد از فتح فلسطین به وسیله ارتش ایران آنان را به اوطان خود در آنجا رجعت داد و با آنها از روی مردمی و مروت و انصاف رفتار کرد. این قضیه، موضوع سپاس انبیاء بنی‌اسرائیل از پادشاه ایران در کتاب آسمانی تورات واقع شده است» (اسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد قدیمه، پرونده شماره ۷۸-۹-۱۳۳۲ ش.).

آنچه در ادامه می‌آید، تحلیل گفتمان گفتارهای فوق، برای واکاوی بیشتر گفتمان رسمی ایران در قبال مسئله تأسیس اسرائیل است.

تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	جهت‌گیری و گرایش متن	برداشت از اصل متن
ارجاع به عرف بین‌الملل و عقلانیت واقع‌بینانه برای توجیه شناسایی اسرائیل	ایران عملی خارج از عرف بین‌الملل انجام نداده شناسایی اسرائیل برای حفظ منافع ایران بود. شناسایی اسرائیل از سر ضرورت بود.	۱ پس از استقلال دولت اسرائیل و به رسمیت شناختن آن از طرف سازمان ملل متحد، دولت ایران برای حفظ اتباع ایران در فلسطین که در نتیجه جنگ خسارات زیادی متحمل شده بودند، آقای «صیقل» را به عنوان نماینده به فلسطین اعزام داشت (قانون، ۱۳۸۱، ص. ۱۹۴).
اقتضائات دفاع از منافع ایرانیان، دولت را مجبور به شناسایی اسرائیل کرده آمریکا حامی اسرائیل است	نقش آمریکا در کمک به شناسایی اسرائیل توسط ایران شناسایی اسرائیل از سر ضرورت بود. شناسایی اسرائیل برای حفظ منافع ایران بود.	۲ پس از مذاکرات مفصلی که از طرف سازمان ملل و دولت آمریکا با ایران به عمل آمد، برای اینکه دولت ایران بیشتر بتواند منافع اتباع خود را حفظ کند و اشکالاتی که در کار چند هزار ایرانی مقیم فلسطین پیدا شده، مرتفع شود، سه ماه قبل آقای «رضا صفی‌نیا» را با سمت مأمور مخصوص به فلسطین اعزام داشت و با این عمل، دولت ایران دولت اسرائیل را بالفعل به رسمیت شناخت (قانون، ۱۳۸۱، ص. ۱۹۴).
عرف دیپلماتیک لاجرم از شناسایی اسرائیل است.	شناسایی اسرائیل برای دفاع از منافع ایرانیان بود.	۳ حفظ منافع ایرانیان مقیم فلسطین و لزوم مطالعه از نزدیک امور خارجه دولت جدیدالتأسیس اسرائیل، ایجاب می‌کرد که دولت، مأموری در این نقطه مهم و حساس خاورمیانه داشته باشد. به این جهت مأموری در آنجا تعیین شد، ولی انجام

		وظایف محوله برای مأمور ایرانی بدون هیچ نوع رسمیت، مصادف با مشکلاتی شده بود و لازم می‌آمد وضعیت مأمور اعزامی روشن شود (ریاست جمهوری، ۱۳۷۷، ص. ۱۰).	
هرچند ایران به اعراب احترام می‌گذارد اما آن‌ها به تصمیمات ایران احترام نمی‌گذارند.	شناسایی اسرائیل باعث دور شدن اعراب از ایران می‌شود.	پس از شناسایی دوفاکتوی اسرائیل از طرف ایران در سال ۱۳۲۹، مقامات و زعمای کشورهای عربی از این امر اظهار رنجش فوق‌العاده کردند (اسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد قدیمه، پرونده شماره ۷۸-۹-۱۳۳۲ ش.).	۴
خودآگاهی ایران به قانع‌کننده نبودن توجه خود در شناسایی اسرائیل از سر ضرورت دیپلماتیک	توجیه ایران برای شناسایی اسرائیل برای کشورهای منطقه قانع‌کننده نیست.	اظهارات اینکه شناسایی مذکور دوفاکتو و فقط برای حفظ منافع اتباع ایران در خاک اسرائیل به عمل آمده و اینکه قرارداد متارکه‌ای که خود دولت‌های عربی با حکومت اسرائیل منعقد کرده‌اند، مستلزم یک نوع شناسایی موجودیت حکومت اسرائیل است، برای آنان عذر موجهی به جهت شناسایی مذکور از طرف ایران محسوب نمی‌گردید (اسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد قدیمه، پرونده شماره ۷۸-۹-۱۳۳۲ ش.).	۵
بر خلاف اعراب، اسرائیل دوست مطمئنی برای ایران است.	اسرائیل به دنبال تنش با ایران نیست.	حکومت اسرائیل با وجود جریان‌های مذکور نسبت به اتباع ایران و حفظ و استرداد آنها در زمان جنگ اسرائیل با اعراب و بعد از آن هم، محبت و ارفاق زیاد کرده و زودتر از نمایندگان سایر کشورها، نمایندگان ایران را (حتی قبل از	۶

		<p>شناسایی دوفاکتو مذکور) در خاک اسرائیل به نحو غیر رسمی برای رسیدگی به وضع اموال و امور اتباع ایران و معاودت این اتباع را به آنجا پذیرفت (اسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد قدیمه، پرونده شماره ۷۸-۹-۱۳۳۲ ش.).</p>
<p>ایران در زمان سختی از یهودیان حمایت کرده است و اکنون زمان جبران حمایت‌های ایران از طرف اسرائیل است.</p>	<p>دیرینگی حمایت ایران از یهودیان</p>	<p>در ایران کلیه اقلیت‌های مذهبی از جمله یهود از زمان‌های قدیم از حقوق شخصی و عمومی بهره‌مند بوده‌اند و از حیث احوال شخصی در داخل هیئت خود نیز در اجرای سنن و آداب و مذهب خود در ایران آزاد بوده و می‌باشند و این رویه دیرین ایرانیان نسبت به همه ارباب مذاهب بوده، یعنی قبل از اینکه در جامعه ملل قدیم هم برای اولین بار این گونه نواها در صحنه بین‌المللی برخیزد و فرمول‌های جدید برای حفظ حقوق بشر در دنیا به دست آید، عمل مذکور در ایران رویه طبیعی و قهری و ذوقی فرمانروایان و سلاطین و مورد تشویق فلاسفه و ادبا بوده است. چنانکه مؤسس سلسله هخامنشی، کورش کبیر، یهود را پس از اینکه در نتیجه فتح شدن فلسطین توسط «نوبکد» از آنجا اخراج شده و زجر و صدمات دیده بودند، مجدداً بعد از فتح فلسطین به وسیله ارتش ایران آنان را به اوطان خود در آنجا رجعت داد و با آنها از روی مردمی و مروت و انصاف رفتار کرد. این قضیه، موضوع سپاس انبیاء</p>

		بنی اسرائیل از پادشاه ایران در کتاب آسمانی تورات واقع شده است (اسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد قدیمه، پرونده شماره ۷۸-۹-۱۳۳۲ ش.).
--	--	--

جدول ۱- تحلیل گفتمانی گفتمان دولت ایران درباره تشکیل اسرائیل در سه سطح اول

محورهای گفتمانی دولت ایران در توجیه شناسایی اسرائیل را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

- ۱- شناسایی اسرائیل مبتنی بر عرف بین‌الملل و عقلانیت واقع‌بینانه است
 - ۲- منافع ملی ایران بر سرنوشت فلسطین اولویت دارد
 - ۳- آمریکا حامی و پشتیبان اصلی اسرائیل است
 - ۴- اسرائیل در مقایسه با اعراب، شریکی مطمئن و دوستی خوب برای ایران است
 - ۵- ایران نیازمند بهره‌برداری از فرصت دوستی با اسرائیل برای توسعه خود است
- در نگاهی عمیق‌تر به گفتمان نهاد قدرت در ایران در توجیه شناسایی اسرائیل، می‌توان گفت رژیم پهلوی در عین خودآگاهی نسبت به تبعات پذیرش اسرائیل، اما نمی‌توانست چشم بر در باغ سبز رابطه با اسرائیل بپوشد. به واقع در مقایسه با اعراب، اسرائیل دوستی مطمئن برای رژیم پهلوی بود و ایران علاقه‌مند به قرار گرفتن در جبهه آمریکا و اسرائیل بود. همچنین بی‌اعتمادی ایران نسبت به اعراب و هم‌نشینی تاریخی یهودیت و ایرانیت از مهم‌ترین ته‌نشست‌های ذهنی دستگاه دیپلماسی ایران بود. در آخر می‌توان گفت نفرت و بی‌اعتمادی به اعراب، هم‌گرایی گفتمان صهیونیسم و گفتمان ایرانیت رژیم پهلوی، علاقه ایران به بلوک غرب و در نهایت خوش‌بینی به اسرائیل و فرصت رابطه با آن برای توسعه ایران، مهم‌ترین انگیزاننده‌های رژیم پهلوی برای شناسایی اسرائیل بود؛ اقدامی که اعتراضات گسترده دولت‌ها و ملت‌های عرب و همچنین اعتراض نهاد مذهب در ایران را برانگیخت. در نهایت دولت مصدق با توجیه مشکلات مالی اقدام به تعطیلی کنسول‌گری ایران در قدس کرد، هرچند مناسبات تجاری مخفی ایران با اسرائیل تداوم داشت، اما این اقدام در جهان عرب به منزله لغو

شناسایی اسرائیل از سوی ایران تلقی شد (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۲، ص. ۸۷). بازنمایی‌ای که به نظر می‌رسد ریشه در نوع مواجهه آیت‌الله کاشانی با این اتفاق دارد. وی صراحتاً اعلام کرده بود که ایران شناسایی خود را از دولت یهودی اسرائیل پس گرفته است (دهنوی، ۱۳۶۱، ص. ۱۸۲). با همه این احوال، رژیم پهلوی عملاً بعد از وقفه کوتاه دوران مصدق، همواره در سطح خوبی از روابط با رژیم صهیونیستی قرار داشت و علیرغم آن‌که در ادبیات رسمی، از تصریح بیش از حد بر این روابط اجتناب می‌شد، اما به هیچ وجه اتفاق پنهان و غریبی برای جامعه ایرانی نبود.

نتیجه‌گیری

در کل می‌توان بر اساس آنچه از گفتمان و روش تحلیل عملیاتی آن گذشت، گفتمان نهاد حاکمه ایرانی در مواجهه با تأسیس اسرائیل را «ابهام و تأیید حساب‌شده» نامید. واگرایی منافع منطقه‌ای ایران با دولت‌های عرب، تلاش رژیم وقت برای یافتن شریک منطقه‌ای مطمئن، ملی‌گرایی باستانی پهلوی، گفتمان عرب‌ستیز و تفوق نگاه کلیشه‌ای به جهان عرب، غرب‌گرایی و غرب‌باوری حاکم بر مناسبات دولتی، عقلانیت دیپلماتیک و واقع‌بین‌نمایی دستگاه سیاست خارجه را باید از عوامل مقوم گفتمان ابهام و تأیید حساب‌شده رژیم پهلوی در مواجهه با اسرائیل دانست. همچنین وجود سائق‌های گفتمانی در بدنه جامعه و نهاد مذهب را نیز می‌توان از جمله مقاومت‌های مؤثر بر تصمیم پهلوی دوم برای ایجاد نوعی از هاله ابهام حول مسئله روابط با اسرائیل دانست. البته فساد دستگاه حاکمه نیز به هیچ‌وجه امری پوشیده نبوده و نیست و نمی‌توان نقش عناصر فاسد و وابسته دستگاه پهلوی را در نزدیکی ایران به اسرائیل نادیده انگاشت. علی‌ای حال می‌توان سیاست خارجی رژیم پهلوی در قبال پیدایش اسرائیل را در میانه‌ای از ابهام و تأیید حساب‌شده و خودآگاهانه تصویر کرد.

کتابنامه

۱. امینی، علیرضا (۱۳۸۶). تاریخ روابط خارجی ایران در دوره پهلوی. تهران: صدای معاصر.
۲. بشیر، حسن (۱۳۹۰). رسانه‌های بیگانه: قرائتی با تحلیل گفتمان. تهران: انتشارات سیمای شرق.
۳. حاجی یوسفی، امیرحسین (۱۳۸۲). ایران و رژیم صهیونیستی: از همکاری تا منازعه. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۴. دهنوی، محمد (۱۳۶۱). مجموعه مکتوبات و سخنرانی‌های آیت‌الله کاشانی. تهران: چاپخش.
۵. رضائی پناه، امیر و شوکتی مقرب، سمیه (۱۳۹۵). تحلیل گفتمان سیاسی: امر سیاسی به مثابه یک برساخت گفتمانی. تهران: انتشارات تپسا.
۶. سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸۶). زبان، قدرت، گفتمان: ساز و کارهای قدرت در جمهوری اسلامی. تهران: نشر نی.
۷. عضدانلو، حمید (۱۳۹۴). گفتمان و جامعه. تهران: نشر نی.
۸. علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۷۵). تاریخ سیاست خارجی ایران. تهران: درسا.
۹. فلاح‌نژاد، علی (۱۳۸۱). مناسبات ایران و رژیم صهیونیستی در دوره پهلوی دوم. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. قانون، مرتضی (۱۳۸۱). دیپلماسی پنهان: روابط ایران و رژیم صهیونیستی در عصر پهلوی. تهران: انتشارات طبرستان.
۱۱. یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. تهران: نشر نی.
۱۲. یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۷۲). روابط ایران و اسرائیل به روایت اسناد نخست‌وزیری (۱۳۵۷-۱۳۲۷)، تهران: ریاست جمهوری.
۱۳. Foucault, Michel. (۱۹۷۴). The archaeology of knowledge. London: Tavistock.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی